
گفتگو با
خطیب
مدینه
نویسنده:
سید محمود بحرالعلوم میردامادی

بسم الله الرحمن الرحیم

# گفتگوئی با خطیب مدینه

نویسنده:

محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# گفتگوئی با خطیب مدینه

## مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی،سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : گفتگوئی با خطیب مدینه/ نویسنده سیدمحمود بحرالعلوم میردامادی.

وضعیت ویراست : [ویراست۲].

مشخصات نشر : اصفهان: بهار قلوب ▯ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۴۲ ص.؛ ۵/۹ × ۵/۱۹ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۱۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر نقدی بر کتاب "هذه نصیحتی الی کل شیعی" از ابوبکر جزایری است.

یادداشت : کتاب حاضر قبلا با عنوان "گفتگویی با خطیب مدینه: نقدی بر گفتار ابوبکر جزائری" در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : گفتگویی با خطیب مدینه: نقدی بر گفتار ابوبکر جزائری.

موضوع : جزایری، ابوبکر جابر. هذه نصیحتی الی کل شیعی -- نقد و تفسیر

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

رده بندی کنگره : BP۲۱۲/۵/م۹۲گ۷ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۳۳۳۴

ص:۱

## اشاره

نگارنده: سید محمود بحرالعلوم میردامادی

زیر نظر: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویّت ناشر: بهار قلوب

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد:۱۰۰۰

شابک: ۴-۱۳-۹۹۶۷-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰ تومان



مراکز پخش: ۳۷۷۰۵۴۹۳ - ۰۲۵ و ۳۲۲۳۷۳۵۲ - ۰۳۱

ارتباط مستقیم: ۰۹۱۲

سامانه ی پیام کوتاه: ۳۰۰۰۶۰۱۶۱۴

Info@Mahdavi-Publication.com

Mahdavi-Publication.com

ص:۴

## پیشگفتار

مسلمانان، برادران و خواهران دینی، حقیر این نوشته را در حال سفر با کمیِ حوصله در جواب آقای ابوبکر جزائری که خود را عالم و اندیشمند و دلسوز مسلمانان می داند نوشته ام، خواهشمندم این نوشته را بدون تعصّب (با میزان کتاب الله و سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله طبق مدارک صحیح، نه مدارکی که زائیده ی سیاست بنی امیّه و بنی عبّاس و استعمار است) مطالعه نمایید، و با تدبّر کامل و آزاد اندیشی در روایات فریقین (نه یک فرقه) در موضوع برتری اهل البیت علیهم السلام ، خود به قضاوت بنشینید.

آقای ابوبکر جزائری و هم فکرانش با نوشتن کتابهایی مثل «هذه نصیحتی الی کل شیعی» و

ص:۵

ترجمه ی آن به چند زبان، کینه ی دیرینه ی خود را با پیروان اهل البیت علیهم السلام آشکار ساخته، با ایجاد اختلاف بین مسلمانان، استعمار را تقویت می نمایند، به امید آنکه روزی شاهد بیداری همه ی اهل سنّت و توبه ی آقای ابوبکر جزائری و دوستانش، در پیشگاه خداوند و عذرخواهی آنان در پیشگاه اهل ا لبیت علیهم السلام ، باشیم.

والسّلام علی من اتّبع الهُدی

سیّد محمود بحر العلوم میردامادی

۷ محرّم الحرام ۱۴۲۱ ه-. ق

ص:۶

## متن گفتگو

«... إذا خاطَبَهُمُ الجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً»(۱)

آقای ابوبکر جزائری!

سلامٌ علیکم و...!!

کتاب ترجمه شده ی شما را، بنام «گفتاری با حق جویان شیعه» خواندم و از اینکه بنام دلسوزی و تبلیغ حق به شیعیان و مکتب نورانی اهل البیت عصمت و طهارت علیهم السلام تهمت زده اید، متأثّر و متأسّف گردیدم.

عنوان کتاب شما که «هذِه نَصیحَتی إلی کُلُّ شِیعی» می باشد اقتضاء دارد منطقی و برهانی با شیعه صحبت کنید و جانب ادب و انسانیّت را رعایت نمایید که گفته اند:

«کُن إبنَ مَن شِئتَ وَ اکتَسِب أدَباً...»(۲)

در صفحه ی ۱۸ از کتابتان گفته اید: مدّتها بود که

ص:۷

---

۱- – فرقان: ۶۳.

۲- – دیوان أمیر المؤمنین علیه السلام ، ص: ۶۶.

از شیعه ی اهل البیت علیهم السلام چیزی جز این نمی دانستم، که آنان نیز گروهی از مسلمانانند و تنها در محبّت اهل البیت علیهم السلام غلوّ می کنند و از آنها دفاع می نمایند.

آقای جزائری!

به همین دلیل که چیزی از شیعه نمی دانستید و الان هم نمی دانید به شما سلام کردم و خواستارم بدون اجازه ی آنها که به شما مأموریّت تبلیغ علیه شیعه و مکتب انسان ساز اهل البیت علیهم السلام را داده اند، بیشتر به مطالعه و تحقیق بپردازید.

چرا بدون اجازه ی آنها؛ چون آمران شما اجازه ی مطالعه و تحقیق در آیات و روایات امامت و ولایت را به هیچ کس نمی دهند، می ترسند شما و دیگر طرفداران سقیفه هم، با آزاد اندیشی به راه «انطاکی» و «دکتر تیجانی»

و «عبدالرحمن العلی» و... کشیده شوید و به مکتب نورانی اهل البیت علیهم السلام ، رو آورید.

آقای جزائری!

همانطور که قبلاً فکر می کرده اید، فکر کنید و شیعه ی اهل البیت علیهم السلام را گروهی از مسلمانان بدانید؛ ولی مسلمانانی که اسلام را از نزدیکترین چشمه سار به رسول الله صلی الله علیه و آله دریافت داشته اند، از باب مدینه ی علم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأویل قرآن را خواسته، سنّت پیامبر را فرا گرفته اند.

شما در صفحه ی ۲۰ کتابتان، گفته اید: آرزوی من از هر شیعه ی حق جو این است که این حقانیّت را با دیده ی انصاف و اخلاص بنگرد، و دور از دریچه ی تعصّب در مورد مذهب خویش و پیروی از آن به قضاوت بپردازد، اگر دادگاه آزاد فکری اش، به صحّت آن حکم کرد و پیروی از آن را ستود، باز هم مانند گذشته بر مذهبش باقی بماند و به پیروی از آن ادامه دهد، امّا اگر قاضیِ وجدانش بر

بطلان و فساد آن حکم نمود، و پیروی از آن را تقبیح کرد، بر هر شیعه ی حق جو واجب است که نصیحت

بپذیرد و برای نجات خویش آنرا ترک نماید و از وی اعلان برائت کند، و به همان دستور زندگی ای که میلیون ها مسلمان به آن ایمان آورده اند، اکتفا نماید، یعنی قرآن خدا و سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله .

آرزوی ما هم در مورد شما و دوستانتان همین است، که با دیده ی انصاف و اخلاص، کتب منطقی و استدلالی شیعه در موضوع امامت، مثل «المراجعات»، «النصّ و الاجتهاد» و «الغدیر» را بخوانید و به دور از تعصّب، به روایات وارده در موضوع پیشوائی اهل البیت علیهم السلام بنگرید و به هر چه اقتضاء آزاد اندیشی است عمل نمایید.

اشکال شما در مورد حدیث منقول از کافی شریف، مبنی بر اینکه ائمّه علیهم السلام کتب آسمانی را به هر زبانی که باشد می دانستند، از اینجا ناشی می شود که نسبت به مقام علمی اهل البیت علیهم السلام ، نا آشنا می باشید.

ص:۱۰

از شما سؤال می کنم با توجّه به حسابرسی یوم الدّین به سؤال من جواب دهید:

«مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتاب»(۱) که در قرآن از آن یاد شده چه کسی می باشد؟

اگر غیر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، پس چرا خلفاء برای حل مشکلات به علی علیه السلام رجوع می نمودند؟

نهج البلاغه، کتاب دانش و معرفت و خطبه های نورانی آنِ، از کیست؟

شما حکمت نظری و عملی، بیان معارف و حقایق توحیدی، تدریس اخلاق و تزکیه را، با فصیحترین و بلیغ ترین کلام بعد از قرآن و کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، در کدام مکتب نورانی سراغ دارید؟

حاکم حسکانی: «بصیر» در آیه ی ۱۹ سوره ی فاطر را علی علیه السلام می داند و برای مصداق «و العُلماء»

ص:۱۱

---

۱- – رعد: ۴۳، راجع: شواهد التنزیل، ج۱: ص۳۰۷.

در آیه ی ۲۷ سوره ی فاطر، به حضرتش اشاره می نماید.(۱)

پس این چه اشکالی است که بر دانش اهل البیت علیهم السلام وارد می کنید که چرا به کتب آسمانی اطلاع داشتند؟

وقتی از آیات و روایات فریقین، نه روایات یک فرقه، دانستیم حضرت علی علیه السلام به عنایات حق تعالی عالم به کتاب الله است، و در جمیع علوم، خاصّه علوم الهی، حکمت نظری و عملی، بزرگترین معلّم توحید و مربّی یکتاپرستی است، به طریق اُولی نتیجه می گیریم، آن حضرت به کتب سماوی پیشینیان نیز آگاهی داشته است، و بعد از ایشان فرزندان مطهّرین آن حضرت، وارثان علوم و کمالات آن جنابند.

کتاب آسمانی مؤیّد پیامبر و عترت ایشان است، مآدمآد، فارقلیطا و إیلیا از درخشان ترین نامهائی است که در تورات و انجیل آمده، و اگر کمی مطالعه داشته باشید به اقرار اهل کتاب این نامها، جز



---

۱- - شواهد التنزیل، ج۲: ص۱۰۱ و ۱۰۰.

نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نام دیگری نیست.(۱)

حال چه اشکالی دارد، که آن بزرگواران از کتبی که مؤیّدشان می باشد، مطّلع باشند.

آقای جزائری!

آیا شما به «لَولا عَلی...» که عمر بارها بیان داشت، توجّه کرده اید؟ آیا می توانید بگویید عمر هم در مدح علی علیه السلام غلوّ کرده است؟

اربابان شما، صدرنشینان سقیفه، به قول علمای خودتان که هنر پاسخگویی به یهود و نصاری را نداشتند؛ پس چه کسی باید به داد اسلام می رسید و آبروی مسلمین را حفظ می کرد؟

حداقل شما به مقدار عمر فهم داشته باشید و



---

۱- - به کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام تألیف محمد صادق فخر الاسلام، که از علمای مسیحیّت بوده و مسلمان شده است، مراجعه نمایید.

عمری فکر کنید، که اگر علم حضرت علی علیه السلام و روشنگری و گفتار حکیمانه ی او نبود، آبرویی برای جامعه ی مسلمین و حکومت باقی نمی ماند.

بصیرت ائمّه علیهم السلام به فقه اسلامی و سنّت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و آگاهی ایشان به علوم طبیعی و دانش ریاضی، زبان زد خاصّ و عامّ است و در کتب تفسیر و حدیث و تاریخ و ادب نظماً و نثراً آمده است، ولی شما در خم یک کوچه گیر کرده اید و به اینکه ائمّه علیهم السلام به تورات و انجیل آگاهی داشته اند اشکال می کنید.

اگر اهل البیت علیهم السلام به کتب آسمانی و مبانی ادیان آگاهی نمی داشتند، چگونه می توانستند با علماء و رؤسای اقوام و مذاهب به مباحثه و گفتگو بنشینند و برتریهای اسلام را بیان کنند؟

در مورد مراجعه ی عمر به برگه ای از تورات که در صفحه ی ۲۶ کتابتان آورده اید، بله، باید وی مورد توبیخ رسوالله صلی الله علیه و آله قرار می گرفت، زیرا او در اسلام

ص:۱۴

مبتـدی و تـازه وارد بود ولی اهـل البیت علیهم السـلام که بـاب دانش پیامبرنـد و «راسِخُونَ فی العِلم» می باشـند، علم به کتاب آسـمانی را از پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله فرا گرفته و از این علم به عنوان یک سلاح و وسیله جهت تبلیغ اسلام استفاده می نمودند.

آقای جزائری!

برای چه و به چه منظور

در صفحه ی ۲۴ به شیعه تهمت زده اید، که آنها خود را از قرآن بی نیاز می دانند، هرگز و هزار هرگز.

شیعه، قرآن را کتاب قانون الهی می داند و به قرائت آن می پردازد، و برای فهم معانی آن تلاش نموده، از دانش «راسِخُونَ فِی العِلم» و عالمان به کتب آسمانی «یعنی اهل البیت علیهم السلام » استفاده می کند.

استفاده ی شیعه از قرآن همراه با تفکّر و تدبّر و

ص:۱۵

در دانشگاه عترت، بوده و با نوع استفاده ی استعمارپسند شما، فرق دارد.

قرآن در دانشگاه اهل البیت علیهم السلام غصب و ستم و تجاوز را حرام و کار قبیح می شمرد، ولی قرآن در کلاس خلیفه با توجیه اهل سقیفه به غاصبان و ستمکاران سِمت و نمره ی عالی می دهد.

آقای جزائری!

چرا در جامعه ی وهّابیّت نامی از قرآن بیش نمانده است؟

چرا به آیات فضل و برتری اهل البیت علیهم السلام توجّهی نمی شود؟ مگر آیات (تطهیر) و (مودّت) و (ولا-یت) در قرآن وجود ندارد؟ اگر موجود است پس استفاده از مطهّرین و مودّت آل یاسین و لبّیک به ولایت یعسوب الدّین، کجای جامعه ی وهّابی انجام می گیرد؟

ص:۱۶

آقای جزائری!

شما که خود را اهل قرآن می دانید، و شیعه را بی اعتنا به قرآن می خوانید، بگویید آیا در قرآن آیه ی: «وَ لَقَد کَتَبنا فی الزَّبُور...»(۱) و آیه ی:

«لِیُظهِرهُ علَی الدّینِ کُلِّه»(۲) و آیه ی: «اللهُ مُتِمُّ نُورِه»(۳) و آیه ی: «إنَّ اللَّه یحیی الأرضَ بَعدَ مَوتِها»(۴) وجود ندارد؟

آیا در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یافت نمی شود؟

پس چرا در مورد احیاء کننده دین، و وارث حکومت زمین، مصلح بشریّت و هادی امّت، سخن نمی گویید؟

چرا در مدینه و مکّه پایگاه قرآن، جلسه ای به نام



---

۱- – انبیاء: ۱۰۵.

۲- – فتح: ۲۸.

۳- – صف: ۸.

۴- – حدید: ۱۷.

مهدی فاطمه، سر پا نمی کنید، و صبح جمعه ای به یاد آن امید دلها و محبوب قلبها به دعا نمی پردازید؟

شما مدح و توسّل به علی علیه السلام و آل پیامبر علیهم السلام را شرک می دانید، در حالیکه در

مدح ستمگران تاریخ، و توسّل به حکومتهای کفر امروزی غوطه ورید؟

جمعه و جماعت شما توجیه کننده ی ستم ستمگران، و بر اساس برنامه ریزی حکومتهای غربی و اروپایی است، و صد البته نباید از امام عدالت پرور حضرت علی علیه السلام و امام فضیلت گستر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام ببرید.

جرم شیعه که به او ناسزا می گویید، و جرم شیخ کلینی و محدّثان دیگر که علیه آنان تبلیغ می کنید، این است که دل به اهل البیت علیهم السلام داده اند، و با حکومتهای ظالمانه خصومت و دشمنی دارند.

ص:۱۸

شیعه دانشگاه اهل البیت علیهم السلام و مدرسه ی نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیّه و کلاس امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را، بر جهالتگاه خلفاء، ظلمتکده ی بنی امیّه و بنی عبّاس و مَدرَس تزویر انگلیس و آمریکا، ترجیح می دهد و به کتب روائی اهل البیت علیهم السلام ، نه دستورالعمل های استعماری، پناه می برد.

همانطور که قبلاً یادآوری گردید، دانش اهل البیت علیهم السلام به کتب آسمانی، وسیله ای برای تبلیغ اسلام بوده است.

وقتی قرآن از کتب آسمانی خبر می دهد و مثلاً از قول حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«بعد از من رسولی به نام احمد می آید»(۱)



---

۱- - «وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ»، صف: ۶.

، اگر اهل البیت علیهم السلام با یک عالم مسیحی مباحثه نشستند، آیا نباید از مأخذ اصلی که قرآن از آن نقل می کند، گفته ی حضرت عیسی را ارائه دهند؟

آیا علم ائمه علیهم السلام به گفتار انبیای گذشته، در مورد حقانیّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عیب به حساب می آید، و یا برتری آنان را بر دیگر مدّعیان ثابت می نماید؟

جای بسی تأسّف است که در اندیشه ی شما و رهروان شما، علم و آگاهی محکوم و مردود است، البته این دیکته و دستوری است از اجانب، که مردم را از مصابیح هدایت و عالمان به شریعت یعنی اهل البیت علیهم السلام اینگونه دور بدارید.

در صفحه ی ۳۳ از کتابتان که گفته اید: آیا برای اهل البیت علیهم السلام جایز است، کتاب خدا را فقط به خودشان

منحصر کنند و جز شیعیانشان به هیچ کس دیگری از مسلمانان اجازه ی استفاده از آن را ندهند؟

ص:۲۰

این سؤال بسیار بی مورد و القاء آن زمینه سازی، جهت تهمت به اهل البیت علیهم السلام و شیعیان می باشد، و طبق روایتی که علماء خودتان مثل حاکم نیشابوری در جلـد ۳ مستدرک الصّحیحین صفحه ی ۱۶۱، از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله آورده، کتاب الله با عترت در کنار هم و مؤیّد یکدیگرند.

«فَاسئَلوا اَهلَ الذِّکر»(۱) رجوع به عترت را برای فهم قرآن بازگو می کند.

آیا می توانید بگویید قرآن و پیامبر هم مثل شیعیان، غالی در مدح عترتند و آیا این احتکار رحمت الهی است که می فرماید:

برای درک معانی قرآن به متخصصین و آگاهان رجوع نمایید.

ص:۲۱

---

۱- - نحل: ۴۳ و انبیاء: ۷.

آقای جزائری!

آیا فاقد شیئ می تواند معطی شیئ باشد؟

کسیکه در مسائل فرعیّه ی شرعیّه آگاهی نداشت، کجا می توانست مسائل اصولی دین را حل نمیاد، خودتان بهتر می دانید، که خلفاء در مسائل اسلامی متحیّر و سرگردان می ماندند و برای حل مسائل به علی علیه السلام پناه می بردند.

آیا اعلم بودن انحصار طلبی و احتکار رحمت الهی است.

پس این تنها شیعه نیست که علی علیه السلام را اعلم امّت می داند، بلکه رجوع کنندگان به آن حضرت، از جمله خلفاء، ایشان را اعلم می دانستند.

آقای جزائری!

مدلول آیه ی شریفه ی تطهیر چیست؟ آیه ی

مودّت چه

می گوید؟ آیه ی ولایت چه مطلبی را با کلمه «إنّما» آورده است؟ آیا وجود پاکان در جامعه چه فایده ای دارد؟

خداوند افراد پاک و اعلم را در جامعه قرار داده که امام باشند، یا مأموم دیگران واقع شوند؟

آیـا انحصـار طلبی در آیه ی شـریفه ی «إنَّمـا ولیکُمُ الله»(۱) وجود نـدارد؟ آیـا احتکـار رحمت الهی در آیه ی «إنِّمـا یرِیـدُ الله لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیت وَ یطَهِّرَکُم تَطهِیرا»(۲) وجود ندارد؟ چه می گویم؟!!

آقای جزائری!

به مطالب إلقاء شده در کتابتان، خوب دقّت کنید و به پیشگاه خداوند متعال عذرخواهی نمایید.

ص:۲۳

---

۱- – مائده: ۵۵.

۲- – احزاب: ۳۳.

آقای جزائری!

آیه ی شریفه ی «أطیعُوا الله و أطیعُوا الرَّسُول وَ اولِی الأمرِ مِنکُم»[(۱)] چه می فرماید؟

اگر آزاد انـدیش باشـید و موانع فکری را کنـار بزنیـد، می بینیـد اطاعت از اولی الأمر در این آیه مطلقاً واجب شـده است، زیرا قرآن این موضوع را مطلق بیان داشته، و نفرموده به شرط اینکه چنین و چنان باشند اطاعتشان کنید، معلوم می شود که اولوالأمر پاکان و برگزیدگان هستند، بطوریکه اطاعتشان در عرض اطاعت خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است.

پس اشکال شما به شیعه، که چرا از امامان اطاعت

می کنند به آیه ی قرآن بر می گردد.

ص:۲۴

---

۱- – نساء: ۵۹.

شیعه، امامان را پاک و برگزیده می داند و بر این مطلب از روایات منقول از کتب فریقین (شیعه و سنّی) «نه تنها اصول کافی» استناد می نماید.

آقای جزائری!

پیرامون آیه ی مباهله و روایات وارده در باب اینکه علی علیه السلام نفس رسول الله صلی الله علیه و آله است، چه می گویید؟(1)

این آیه می رساند که علی علیه السلام مقام بالا و بلندی را دارا بوده و در فضائل با پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت داشته است، آنچه استثناء شده مقام نبوت و رسالت بوده و این استثناء، اقتضاء خاتمیّت و رسالت پیامبر خدا است.

شیعه طبق حدیث منزلت، علی علیه السلام را وصی و

ص:۲۵

---

۱- - کفایه الطالب، گنجی شافعی: ص۲۵۴ و شواهد التنزیل، ج۱: ص۱۲۰.

برادر و یاور پیامبر می داند، و هرگز معتقد به مقام پیامبری برای آن حضرت نمی باشد، چرا به شیعه تهمت می زنید؟

خواننده ی کتابِ شما اگر شیعه باشد، به اعتقادات خودش آگاهی دارد و می فهمد مطالب شما به جز تهمت و افتراء چیز دیگری نیست، و اگر سنّی باشد شما بذر خشم و کینه نسبت به شیعیان و دلدادگان اهل البیت علیهم السلام در قلب او ایجاد کرده اید و این خلاف وظیفه ی انسانی و اسلامی شما می باشد. شما باید بذر اتحاد در قلوب مسلمین بکارید و اهل سنّت را به حقیقت غدیر خم و سفینه ی نوح و پیروی از اولی الأمر واقعی فرا خوانید.

شیعه به خداوند یگانه و به رسالت خاتم الأنبیاء معتقد است و قرآن را کتاب قانون و برنامه ی زندگی می داند.

شیعه به عدل الهی و معاد اعتقاد دارد و بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دوازده نفر از اهل البیت علیهم السلام را وصی، و راهنمای بعد از پیامبر می شناسد. کجای این

اعتقاد کفر و ارتداد است؟

آقای جزائری!

اقتضاء آیه ی شریفه ی «إنَّما أنتَ مُنذِر و لِکُلِّ قَومٍ هاد»(۱)

چه می باشد؟ شیعه به اقتضاء این آیه ی شریفه و آیات دیگر و احادیث (فریقین) درباره ی فضل و برتری اهل البیت علیهم السلام به امامت ایشان معتقد است، آیا این اعتقاد گناه است؟

از همه ی مسلمین بلکه از همه ی مردم دنیا می پرسیم، آیا انتخاب برتر گناه است؟ آیا بهترین انسان را برگزیدن و به رهبری او، طی راه نمودن، جرم است؟ شما اگر در محل کار و زندگی خود دو معلّم سراغ داشته باشید، یکی کم دانش و دیگری عالم کامل، برای تحصیل نزد کدام یک می روید؟



---

۱- – رعد: ۷.

دو امـام جمـاعت، یکی ناآشـنا به احکام و غیر متّقی، و یکی عالم و متّقی و دانشـمند پرهیزگار، به جماعت کـدام یک از اینها حاضـر می شویـد؟ آیا توجّه به عالم و دانشـمند و اُنس با متّقین و صادقین دسـتور قرآن نمی باشـد، آیا آیه ی «قُل هَل یسـتَوی الَّذینَ یعلَمون»(۱) و آیه ی «کُونُوا مَعَ الصّـادِقین»(۲) را در قرآن نخوانـده ایـد؟ قرآن در انتخاب برترین و گزینش بهترین، نظر مثبت دارد و دنباله روی از افراد نادان و غیر متّقی را محکوم می کند.

مطلب دیگر که باید در اینجا عنوان شود این است که مردم صدر اسلام به

اسـتناد کـدام آیه و یا روایت برای مردم زمانهای بعـد، تصـمیم گرفتنـد؟ مگر مسـلمین صـدر اسـلام بر مردم قرون بعد، ولایت داشتند؟ مگر آنها در آراء و افکارشان

ص:۲۸

---

۱- – زمر: ۹.

۲- – توبه: ۱۱۹.

معصوم بودند؟ به چه دلیل مسلمین زمانهای بعد باید به خلافت خلفای زمانهای قبل معتقد باشند؟

در این عصر اگر کسی از آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله فرد پاک و صالح را شناخت، اعلم و مرد تقوا و فضیلت در صدر اسلام را یافت، و در برابر مقام امامت او تسلیم گردید، باید تازیانه ی تکفیر بر سرش فرود آید و به فحش و لعن مبتلا گردد، شما که لعن کردن را محکوم می کنید و حکم ارتداد را مردود می دانید چرا آزاد اندیش نیستید و بر مردم آزاده و آزاداندیش، خلفاء قرون گذشته را با جعل و چماق لعن، تحمیل می کنید؟

آثار و تاریخ خلفاء گذشته، می تواند میزان و محکی برای شناخت آنان باشد، چرا نگاه به تاریخ صحیح را ممنوع می دانید، و معاویه وار از بیان برتریهای اهل البیت علیهم السلام نسبت به خلفاء اِبا دارید؟

گویا با کلمه ی اصحاب و صحابی به بازی نشسته، و می خواهید اثبات عصمت برای آنها کنید و از مردم قرون بعد برای آنان بیعت بگیرید و عصمت

داران خدایی، که آیه ی تطهیر به تأییدشان قائم است را با قلم و بیان، هتک نمایید.

آقای جزائری!

از فردا نمی ترسید؟ هنگامی که ندای «وَقِفُوهُم

إِنَّهُم مَسئُولُون»(۱)

داده شود، آیا در برابر سؤال رهبری فکرها و اندیشه ها چه می گویید؟

آیا امامت و رهبری از دیدگاه قرآن و روایات، تا چه اندازه اهمیّت دارد؟

ابراهیم علیه السلام بعد از آن همه مقامات عالیّه، به قول قرآن امام ناس می گردد و رهبری اندیشه ها را بدست می گیرد.

امّا امامت از دیدگاه شما و اربابانتان، ریاستی پیش پا افتاده است که نصیب «متصدیان سوق الحمار» می گردد، و آنها را به مقابله با انوار



۱- - صافات: ۲۴.

الهی و روشنگران جامعه ی انسانی، اهل البیت علیهم السلام وا می دارد.

آقای جزائری!

در صفحه ی ۷۱، از جنگهای خانمان سوز سخن گفته اید، و بر غربت اسلام اشک ریخته اید. از شما سؤال می کنم بعد از پیامبر اسلام اوّلین شمشیر بر روی چه کسی کشیده شد، «الامامه و السّیاسه» که مثل شما عُمَری است، ولی

گاهی حقایق را بیان می کند، می گوید: اوّلین شمشیر به روی علی علیه السلام کشیده شد، که فرمود:

«یابنَ اُم إنَّ القَوم استَضعَفُونی وَ کادُوا یقتُلُونَنی»(۱)

و جنگهای بعدی از همین جا آغاز شد، شما که خود را دوست اهل البیت علیهم السلام می دانید، چرا به

ص:۳۱

---

۱- – الامامه و السّیاسه، دار الاضواء، بیروت: ص۳۱، اشاره به آیه ی ۱۵۰، سوره ی مبارکه ی اعراف است.

کسانی که در برابر اهل البیت علیهم السلام قیام کردند نمره می دهید و به آنها آفرین می گویید؟ آیا مردم قرون بعد که با تبلیغات دروغین و حرمت شکنیهای ننگین شما به دام مکتب خلفاء افتاده اند، یوم الحسره ضمن اینکه دست خود را با دندان می گزند، به بارگاه خدای قادر عادل، به شکایت علیه

شما علمای غیرِ عامل و عاملان طریق باطل، قیام نمی کنند؟

آقای جزائری!

راستی؛ هیچ فکر کرده اید کتاب شما به دست عقلا می افتد؟

شما این کتاب را برای چه گروه و طائفه ای نوشته اید؟

پایین ترین گروه شیعه از نظر دانش به عبارات کتاب شما می خندند.

بله؛ فرقه ی شیعه می گوید:

ص:۳۲

امـام و خلیفه بایـد معصوم باشـد؛ و بر مطلبش دلیـل می آورد، ولی معتقـد نیست که وحی تشـریعی و قـانون جدیـد به امام می رسد.

شیعه معتقـد است، امامت بایـد با تعیین خداونـد و نصّ و سـفارش پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله باشد، همانطور که در جزئی ترین مطالب دین، دسـتور خداونـد و ارشاد پیامبر لازم است، در اساسـی ترین امر دینی و سیاسـی، یعنی (امامت و خلافت) امر الهی و راهنمایی پیامبر خدا لازم می باشد.

آقای جزائری!

در همین صفحه گفته اید: معلوم نیست مسلمانان چه زمانی چنین امام و خلیفه ای، با این شرایط خواهند یافت؟

مسلمانان اگر از تبلیغات دروغین علمائی مثل

ص:۳۳

شما آزاد گردند، با توجّه به آیات قرآنی: «إنَّما وَلیّکَم الله»، «إنَّما یُریدُ الله...»، «إلاّ المَوَدَّةَ فِی القُربی»، «لِکَلّ قَومٍ هاد»، «یا ایُّهَا الرَّسُول بَلِّغ» و «ألیَوم أکمَلتُ لَکُم» و غیرها...، دقّت در احادیث غدیر و منزلت و ثقلین و دار یا انذار و... خود می توانند امام معصوم و مورد نظر خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بشناسند، و با او بیعت نمایند.

اگر حدیث «مَن ماتَ بِغَیر إمام» یا «مَن ماتَ لا یعرِف إمامَ زَمانِه...»(۱)در جوّ آزاد برای مسلمانان بیان بشود، همه ی آنها به ارزش مقام امام و عظمت اصل امامت می رسند، و به اساسی ترین اصل دینی بهاء می دهند، ولی شما و رهبران وهّابیّت،آزادی را از گویندگان توحید گرفته، با چُماق شوری و اجماع، قدرت تفکّر را از آنان سلب کرده اید.



---

۱- – الکافی، ج ۱: ص۳۷۶.

آقای جزائری!

احادیث یاد شده، از کتب فریقین است؛ کدام امامی است که اگر او را نشناسی و با او بیعت نکنی(1) و از دنیا بروی، موت تو موت جاهلیت محسوب می شود؟

هر که آمد و گفت من امام هستم، یا هر که را مردم به او گفتند تو امام هستی، یا نه؛ هر که را خداوند به وسیله ی پیامبرش گفت او امام است، او امام می باشد؟

بله؛ امام، منصوب حق تعالی است، اگر او را نشناسی و با او بیعت نکنی، هدایت را نیافته ای و وقتی با این حال بمیری، به مرگ جاهلیت مرده ای. راستی فتره ی لحظه ی بعد از فوت پیامبر تا انتخاب ابی بکر را چه می گویید؟!!



---

۱- – صحیح مسلم، شرح نووی، ج ۶، کتاب الاماره: ص۱۹۰، به این صورت نقل نموده: «من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میته جاهلیه» و نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۹: ص۱۵۰، نقل کرده: «من مات بغیر امام مات...»

آقای جزائری!

لطفاً جواب بدهید، اگر جواب دارید، بزودی پاسخگو باشید و الّا دست از تفرقه افکنی برداشته، به مدلول آیه ی «وَاعتَصِمُوا

بِحَبلِ الله»(۱) به دامن تشیّع بر گردید.

حدیث «مَن ماتَ و...» که در کتب شما هم آمده، می طلبد زمان، خالی از حجت نباشد، چون شناخت و بیعت با امام در هر زمان، به وجود امام بستگی دارد، و الّا مسلمانان چه کسی را بشناسند و با که

بیعت کنند؟

از آنِ بعد از فوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا انتخاب ابی بکر چه کسی امام مردم بوده است؟ انتخاب را شما، کاشفٌ للخلافه نمی دانید، بلکه مُثبِت می دانید، پس ابوبکر (به قول شما) بعد از انتخاب، خلیفه و امام مردم شد و قبل از آن هیچ سمتی نداشت، پس



---

۱- - آل عمران: ۱۰۳.

آیا در این فتره (اگر چه کم و مختصر باشد)، جامعه ی اسلامی بدون امام بوده است، یا امامی وجود داشته ولی تبلیغات او را به انزوا کشانده است و در نتیجه مردم او را نشناخته و به مرگ جاهلیّت مرده اند؟

پاسخ این است که به مقتضای حدیث «مَن مات و...» و آیه ی «لِکُلِّ قُومٍ هاد» و ادلّه ی دیگر، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله زمین خالی از امام نبوده و نمی باشد، مردم باید برای امام شناسی حرکت کنند و با امام زمانشان بیعت نمایند.

آقای جزائری!

حتماً برای این فتره و فاصله (بعد از فوت پیامبر تا انتخاب ابی بکر) امامی بتراشید و یا حدیث «مَن مات و...» را از کتب خودتان حذف نمایید.

آقای جزائری!

اگر مانع سر راه نمی بود و به قول «الامامه و

السّـِياسه» هیزم و شمشـیر نمی آمـد مردم خود می توانسـتند امـام معصوم و تعیین شـده ی الهی را بشناسـند و پیروی نموده و از وجودش بهره ببرند، ولی موانع آمد، و شد آنچه نباید می شد و امروز اگر اسـتعمار مردم را رها بگذارد که به قرآن فکر کنند، در احادیث تدبّر نمایند، مباحثه آزاد شود، مدارک فریقین به دقّت مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد، مطالعه ی کتابهایی مثل

«الغـدیر» جرم به حساب نیاید، آن وقت می بینید چه می شود، شـما هم سـعی کنید در آن زمان دیگر به دوسـتداران اهل البیت علیهم السـلام فحش و ناسـزا نگویید، به شـیعه لعن و نفرین نکنید، به اختلاف دامن نزنید، و آتش کینه و دشـمنی بین مسـلمین ایجاد نکنید، بگذارید مردم خودشان با تفکّر و اندیشه ی آزاد امام و راهنما انتخاب کنند. چون مردم فطرتاً دوسـتدار زیباییها و کمالاتند، دوسـتدار علم و پاکی و انسانیّتند، دوسـتدار بهترینها و برترینها هستند، خود به خود به طرف بوستان اهل البیت علیهم السلام رهسپار می شوند، از آب زلال نهج البلاغه و صحیفه ی

سجادیّه و مآثر باقریّه و آثار جعفریّه می نوشند، و میوه ی «ثمّ اهتدیت!!»(۱)،

«موعظتی لکلّ مسلم!!»(۲)، «لماذا اخترت مذهب الشّیعه؟!!»(۳)

را به آزاد اندیشان عالم تحویل می دهند.

آقای جزائری!

مطلبی به ذهنم آمد با شما می گویم: غلامی و خدمتگزاری درباری را به عهده بگیرید، که اگر شک در امامت و ریاست الهیّه ی آنها دارید، حداقل حسب و نسب و شجره ی طیّبه و علم و تقوا و اخلاق انسانی و کمالات روحانی را دارا باشند، نه مثل اربابان شما بی بهره از همه چیز، فقط در مسابقه ی مکر و جنایت، برنده ی شماره ی اوّل به حساب می آیند.



---

۱- - نوشته ی الدکتور محمد التیجانی السماوی.
۲- - نوشته ی الشیخ عبد الرحمن العلی.
۳- - نوشته ی الشیخ محمد مرعی الأمین الأنطاکی.

مطلب دیگری که از شما سؤال می کنم این است:

با توجّه به حدیث «مَن ماتَ و...، کسی که بمیرد و با امام زمانش بیعت نکند، به موت جاهلیّت مرده است»، بفرمایید حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام آیا با ابابکر بیعت نموده، یا در حالی که غضبناک از او بودند از دنیا رفتند؟

پس در این حال آن حضرت به موت جاهلیّت مرده است (نعوذ بالله)، او که پاره ی تن پیامبر اکرم و معصومه از هر رجس و پلیدی است، پس لابد باید بگویید ابابکر امام زمان حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نبوده است، بلکه امام زمان حقیقی و الهی ایشان، حضرت علی مرتضی علیه السلام بوده و ایشان با معرفت و بیعت با آن بزرگوار از دنیا رفته است.

آقای جزائری!

سؤال دیگری دارم، با توجّه به حدیث «مَن مات و...» که اقتضاء آن این است که در هر زمانی امامی

باید باشد تا مردم با او بیعت نمایند، در حال حاضر امام مردم چه کسی می باشد؟

اگر بگویید امام نداریم، خلاف مدلول حدیث و مقتضای روایت سخن گفته اید، و اگر بگویید داریم، می گویم: او چه کسی است؟ آیا حکّام وقت و رؤسای جمهور و سلاطین، امام زمان مردم هستند؟!!

اگر چنین سخنی بگویید، می گویم حتماً به درگاه خداوند توبه کنید و عذرخواهی نمایید، چون امام زمانی که در حدیث عنوان شده، شناختنش هدایت و نورانیّت و رهایی از شرک و مرگ جاهلیّت است.

لطفاً بفرمایید بگویید، کدام حاکم است که این چنین در پیشگاه خداوند، مقام و قرب دارد و معرفت او سرچشمه ی معرفت و مبدأ نور و کمال به حساب می آید، او،

کسی جز «مَهدِی هذِهِ الاُمَّه» که از نسل رسالت و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است، و دوازدهمین امام ماست، شخص دیگری نمی باشد، و روایات فراوانی از فریقین در این باب موجود است، که

ص:۴۱

مجال بیان آن نیست ولی شما می توانید از کتب خودتان احادیث المهدی را استخراج کنید و عوض اختلاف افکنی بین فِرَق مسلمین آنها را به معرفت بقیه الله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت نموده، آنان را به خودسازی و انتظار فرج و ظهور آن حضرت فرا خوانید.

ص:۴۲

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹